

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

ادب و زبان فارسی

دوره جدید، شماره ۲۶ (پیاپی ۲۳) زمستان ۸۸

## نقد مظلّم اجتماعی در شعر جواهری\* (علمی - پژوهشی)

دکتر عبد الغنی ایروانی زاده†

استادیار دانشگاه اصفهان

دکتر سردار اصلانی‡

استادیار دانشگاه اصفهان

دکتر علی اصغر روان شاد§

استادیار دانشگاه یزد

### چکیده

محمد مهدی جواهری از مشهورترین شاعران معاصر در کشور های عربی است که پیوند عمیقی با جامعه خود برقرار ساخته، سروده های بسیاری در نقد مسائل اجتماعی از خود به یادگار گذاشته است.

انتقاد جواهری از مسائل و مشکلات جامعه عراق و نیز جامعه جهانی به یک محور خاص محدود نمی شود؛ هر چند اغلب آنها اهدافی مانند هم دنبال می کند. این مسائل را می توان در محورهای سه گانه مظلّم اجتماعی، خفقان سیاسی و استعمارگری جای داد که بررسی تمامی این محورها در یک یا دو مقاله میسر نیست. از این رو، این مقاله به بررسی مظلّم اجتماعی و نقد آن در دو طبقه کشاورز و کارگر می پردازد.

کلید واژه ها: جواهری، مظلّم اجتماعی، نقد شعر، شعر عربی امروز، ادبیات تطبیقی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۷/۸/۱۵

\* تاریخ ارسال مقاله: ۸۶/۷/۲۵

† نشانی پست الکترونیک نویسنده: irvani@sgn.ui.ac.ir

‡ نشانی پست الکترونیک نویسنده: aslane@ui.ac.ir

§ نشانی پست الکترونیک نویسنده: ravanshada@yahoo.com

## مقدمه

محمد مهدی جواهری سال ۱۹۰۰ م در شهر نجف اشرف در خانواده ای دینی و علمی دیده به جهان گشود (محمد مهدی الجواهری، شاعر العراق الأكبر، ۷). جد او شیخ محمد حسن جواهری در زمان خود از مراجع بزرگ شیعه به شمار می رفت. این دانشمند بزرگ با نگارش کتاب جواهر الکلام یکی از اصلی ترین منابع فقه شیعه را ارائه کرده است. از این رو، صاحب جواهر، بنیانگذار مجد علمی این خانواده و موجب شهرت آن شده است. پدر جواهری نیز از علمای دین بود که به تربیت فرزندش همت گماشت (الإلتزام فی الشعر العربی، ۲۳۴).

جواهری تحصیلش را در مدرسه های دینی نجف آغاز کرد (محمد مهدی الجواهری، شاعر العراق الأكبر، ۷) و با حافظه قوی خود هر روز آیاتی از قرآن کریم، خطبه ای از نهج البلاغه و قصیده ای از دیوان منتبّی را حفظ می کرد (الشعر العربی الحدیث من أحمد شوقی إلی محمود درویش، ۲۸۹)؛ هم چنانکه به کتابهای ادبی جدید و آثار شعری معاصر از جمله اشعار احمد شوقی، ایلیا ابو ماضی و دیگران اهتمام می ورزید (محمد مهدی الجواهری، شاعر العراق الأكبر، ۲۰).

جواهری تقریباً به مدت سی سال به روزنامه نگاری مشغول بود و از جمله روزنامه هایی که منتشر کرد «الفرات»، «الإنقلاب» و «الرأی العام» بود. روزنامه اخیر بارزترین و برجسته ترین روزنامه ای بود که جواهری بخش زیادی از عمر خود را صرف انتشار آن کرد. این روزنامه چندین بار به دلیل موضعگیریهای میهنی اش با تعرض مخالفان یا تعطیلی رو به رو شد (تاریخ ادبیات معاصر عرب، ۳۴-۳۵).

جواهری در زندگی خود، فراز و نشیبهای زیادی را پشت سر گذاشته است. او در سال ۱۹۲۴ م و ۱۹۲۶ م به ایران آمد. در سال ۱۹۴۷ م از سوی دولت به عنوان نماینده کربلا انتخاب شد (الشعر العراقي الحدیث، ۹۵). ولی در همان سال، همگام با دیگر نمایندگان مخالف سیاستهای استعمار گرایانه بریتانیا از نمایندگی استعفا کرد (محمد مهدی الجواهری، شاعر العراق الأكبر، ۱۰). مبارزه پیوسته او بر ضد حکومت عراق باعث شد که به سوریه برود. حکومت سوریه نیز حق پناهندگی سیاسی را به او داد تا اینکه با کودتای ۱۹۵۸ م به بغداد بازگشت و صدور روزنامه «الرأی العام» را از سر گرفت و به

عنوان رئیس اتحادیه نویسندگان و هم چنین رئیس روزنامه نگاران عراق انتخاب شد. هنوز یک سال از این کودتا نگذشته بود که با مشکلات زیادی روبه رو شد. بنابراین از بیم جان خود عراق را ترک کرد و به شهر پراگ پایتخت چک اسلواکی رهسپار شد و مدت هفت سال در آنجا اقامت داشت (الجامع فی تاریخ الأدب العربی، الأدب الحدیث، ۵۰۸).

جواهری به دلیل همت بلند، اصالت خانوادگی و توانایی زیادش در سرودن شعر و پرداختن به انواع فنون آن بر جایگاه والای ملک الشعراپی دست یافته است (ماضی النجف و حاضرها، ۱۳۶-۱۳۷/۲). او در نبوغ شعری به مرحله ای رسیده است که برخی از ادیبان معاصر، لقب متنبی عصر جدید را به او داده اند (محمد مهدی الجواهری، شاعر العراق الأكبر، ۶۷). ناقدان بر این عقیده اند که جواهری بزرگترین شاعری است که وضعیت پر تلاطم جامعه عراق را از دهه بیستم میلادی به تصویر کشیده است (الاتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحدیث، ۲۶۴):

بَکیتُ و ما عَلی نَفسی و لَکن  
عَلی و طَن مَضامِ مُسْتَهانِ  
« گریستم، لکن نه بر خویش، بلکه بر وطن ستم دیده و خوار. »  
عَلی و طَن عَجیف لیس یَقوی  
عَلی نُوبِ مُسْئَلَه سِمانِ  
« بر وطنی که در برابر بلاهای عظیم و پی در پی، نزار و ناتوان است. »  
(دیوان، ۱/۱۸۱)

او پس از عمری طولانی و پرفراز و نشیب، سرانجام در سال ۱۹۹۷ م در سوریه درگذشت (الجواهری رحله الشعر و الحیاه، ۱۹۶). دیوان اشعارش که هفت مجلد است، تاکنون چندین بار به چاپ رسیده است.

### نقد جواهری

مرحله تحولی که شعر دوره معاصر عرب پشت سر گذاشته در همه دوره های تاریخ ادبیات آن بی سابقه است. این مرحله به تغییراتی مسبوق بوده که از چندین پیش در همه شئون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روی داده است.

در دوره معاصر همه چیز به نوعی با جامعه و مردم ارتباط پیدا می کند. بنابراین ادبیات هم مثل دیگر مظاهر اندیشه و فرهنگ به مردم روی آورده، انعکاس مسائل اجتماعی را و جهت همت خود قرار داده است. به همین دلیل از شعر این دوره، دیگر نه به

عنوان پدیده ای تجملی و منحصر به گروه های محدود حاکم یا برگزیدگان فکری، بلکه همچون امری عمومی و متعلق به گروه های وسیع جامعه باید سخن گفت که به جای ارتباط مستقیم با دربار و گروه های بالای اجتماع، محتوای سیاسی و اجتماعی مورد علاقه همگان را به مخاطبان خود در گوشه و کنار شهرها و حتی روستاها می رساند.

در این میان محمد مهدی جواهری از مشهورترین شاعران معاصر در کشورهای عربی است که با جامعه خود پیوند عمیقی برقرار ساخته، سروده های بسیاری در نقد مسائل سیاسی و اجتماعی از خود به یادگار گذاشته است. جامعه عراق در دوره جواهری از مشکلات و گرفتاریهای بسیاری از جمله فقر، بی عدالتی، اختلاف طبقاتی، نبود آزادیهای سیاسی، عدم استقلال و وابستگی به ابر قدرتها رنج می برد. این امر سبب شده بود بسیاری از مردم از داشتن حتی زندگی عادی محروم باشند.

جواهری به عنوان یک ناقد اجتماعی بخوبی می دانست که بسیاری از این مشکلات و گرفتاریها از جمله اختلاف شدید طبقاتی برخاسته از اصول سیاسی حاکم بر جامعه عراق است که از سوی بریتانیا بر این ملت تحمیل شده است؛ سیاستی که مشکلات متعددی دیگری از جمله فقر، بینوایی و محرومیت توده عظیمی از مردم را به دنبال داشته است. مزیت بزرگ جواهری از یک طرف حساسیت بیش از حد او در مقابل این مسائل و گرفتاریها است که در جامعه عراق رخ نموده است (الإلتزام فی الشعر العربی، ۲۳۷) و از سوی دیگر، عکس العمل سریع و بموقع او در رویارویی با این مسائل است (تاریخ ادبیات معاصر عرب، ۳۵-۳۶). او در این حوادث در کنار توده عظیم مردم ایستاده، از حقوق اکثریت دفاع نموده، خواهان عدل و انصاف بوده است و با انتقاد از وضعیت اجتماعی حاکم بر جامعه، ستمدیدگان را به دفاع از حقوق غصب شده و آزادی از دست رفته شان بر می انگیزد:

يَدِي بِيَدِ الْمُسْتَضْعَفِينَ أُرِيهِمْ      مِنْ الظُّلْمِ مَا تَعْيَا بِهِ الْكَلِمَاتُ

« دست در دست مستضعفان دارم، آن ستمهایی را به ایشان می نمایانم که کلمات از بیان آن قاصر است. »

(دیوان، ۲۰۷/۱)

او با انتقاد از مسائل و مشکلات اجتماعی، خود را زبان گویای مردم قرار داده، از شکایتها، دردها و رنجهای آنان سخن گفته است؛ ضمن اینکه مصیبتها و گرفتاریهای آنها را نیز بر دوش کشیده است:

وَ أَنَا لِسَانُ الشَّعْبِ كُلِّ بَلِيَّةٍ      تَأْتِيهِ أَحْمَلُ ثِقَلَهَا وَ أُصَوِّرُ  
 « من زبان مردم هستم؛ هر بلایی که به ایشان می رسد به تصویر کشیده، سنگینش را تحمل می کنم. »

(دیوان، ۴/ ۵۹۰)

### طبقه کشاورز

مظلالم اجتماعی، که جواهری آن را مورد انتقاد قرار داده است، اغلب در فاصله طبقاتی شدید و توزیع نا عادلانه ثروت نمود می یابد که نتیجه آن از یک سو، بینوایی و فقری است که اکثریت قریب به اتفاق مردم را فرا گرفته است و از سوی دیگر ثروت فراوانی است که در دست گروه اندک حاکم بر جامعه است. حاکمان فئودالی که بهترین زمینهای کشاورزی را در تصرف خود داشته، به غارت محصولات آن می پردازند و با به کارگیری هزاران کشاورز زحمتکش از دسترنج آنها بهره می برند:

هِى الْأَرْضُ لَمْ يَخْصُصْ لَهَا اللَّهُ مَالِكًا      يُصْرِفُهَا مُسْتَهْتَرًا بِالْجِرَائِمِ  
 « خداوند زمین را ویژه یک مالک نگردانده است که در آن تصرف کرده بی پروا ستم روا دارد. »

وَلَمْ يَبْغِ مِنْهَا أَنْ يَكُونَ نِتَاجُهَا      شَقَاوَةٌ مَظْلُومٍ وَ نِعْمَةٌ ظَالِمٍ

« او نخواسته است که محصول زمین موجب بینوایی ستمدیده و نعمت و رفاه ستمگر باشد. »

(دیوان، ۲/ ۳۷۸)

او به مخالفت شدید با این طبقه حاکم برخاسته، به باز گرداندن اموالی که غارت کرده اند اکتفا نکرده، بلکه با لحنی تمسخر آمیز خواهان این است که زیرکی و فهم را از آنان بگیرد:

وَ أَنْكَأ مِنْ هَذَا النَّعَابِينَ قُرْحَةً      عَبَاؤُهُ مَخْدُومٍ وَ فِطْنَةُ خَادِمٍ  
 « و درد آورتر از این کلاه گذاری، کودنی ارباب و زیرکی خدمتکار است. »

وَ كَمٍ مِنْ حُمُولٍ لَاحٍ فِي وَجْهِ مُتَرَفٍ      وَ كَمٍ مِنْ نُبُوغٍ شَعٍّ فِي عَيْنِ عَادِمٍ  
 «چه بسیار سستی و تنبلی که در چهره خوش گذران نمایان شد و چه  
 استعداد و نبوغی که در چشم فقیر نادار درخشید.»

(دیوان، ۳۷۸/۲)

جواهری تناقض شدیدی را که بین زمین داران فنودال و فقیران و گرسنگانی که  
 اطراف او هستند به تصویر می کشد. او از دستهای بی رحم و فرومایه ای می گوید که بر  
 پشت انسانهای بی گناه تازیانه فرو می آورد:

تَلَوَّتْ سِيَاطٌ فَوْقَ ظَهْرٍ مُكْرَمٍ      مِنْ اللُّؤْمِ مَاخُوذٍ بِسَوَطِ الْأَلَاثِمِ  
 «تازیانه ها بر پشت انسان محترم و ارجمند تاب خورد حال اینکه تازیانه زنده  
 خود از فرومایه ترین افراد است»

(دیوان، ۳۷۸/۲)

و با قرار دادن تصاویری از شکمهای گرسنه بینوایان در مقابل شکمهای سیر ثروتمندان،  
 قصد دارد به انتقاد از تناقض و فاصله طبقاتی شدید جامعه معاصر عراق بپردازد:

وَبَاتَتْ بُطُونٌ سَاغِبَاتٌ عَلَى طَوَى      وَ أُتْخِمَتِ الْأَخْرَى بِطِيبِ الْمَطَاعِمِ  
 «چه شکمهایی که با گرسنگی شب را گذرانند و حال اینکه شکمهای دیگری از  
 خوردن غذا های لذیذ دچار سوء هاضمه شدند.»

(دیوان، ۳۷۸/۲)

و اظهار می کند که هزاران تن در رنج و زحمت به سر برده تا یک نفر در رفاه و  
 آسایش باشد:

أَمِنْ كَدْحِ آلاَفٍ تَفِيضُ تَعَاسَةً      يُمْتَعُ فَرْدٌ بِالنَّعِيمِ الْمَلَاذِمِ  
 «آیا از زحمت هزاران نفر که تیره روزیشان فراگیر می شود یک تن پیوسته در  
 نعمت و آسایش باشد؟»

(دیوان، ۳۷۹/۲)

با این همه او تلاش می کند امید را در دلها پیوراند و تناقضات شدید جامعه را رو به  
 نیستی و نابودی نشان دهد:

أَلَا إِنَّ وَضْعًا لَا يَكُونُ رِفَاهَةً      مُشَاعًا عَلَى أَفْرَادِهِ غَيْرُ دَائِمٍ

«هان! وضعیت رفاه و آسایش برای افرادش فرا گیر و ماندگار نخواهد بود.»

(دیوان، ۳۷۹/۲)

و این اساس فلسفه جواهری در مورد فاصله طبقاتی جامعه عراق است که شدیدترین نوع آن در روستاها و در زندگی کشاورز و مالک نمود می یابد.

مسئله زمین و بینوایی کشاورزان و آسایش و رفاه زمین خواران از یک طرف، جزء اصول فکری جواهری، و از سوی دیگر چیزی است که موجب شده، انگشت اتهام به کمونیسم به سوی او دراز شود (الشعر العراقي الحديث، ۹۵). آنچه موجب تشدید این اتهام شده، طرفداری شدید او از پیروزی ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق در برابر نیروهای هیتلر است (مجمع الأضداد دراسه فی سیره الجواهری و شعره، ۱۳۸). او همگام با جانبداری از نیروهای شوروی به موضعگیری در مقابل مظلالم اجتماعی پرداخته، از عدالت کامل اجتماعی دفاع کرده است؛ عدالتی که بر محوریت زمین دور می زند:

أُمَّةٌ لَا صَدْعَ فِيهَا      لَا أَرْتِجَاجَ لَا انْقِسَامَ

«امتی که در او هیچ گسستگی، واپسگرایی و تفرقه ای نیست.»

هَكَذَا تُنْبِتُ أَرْضٌ      وَ هِيَ بِالْحَقِّ اقْتِسَامٌ

«این چنین زمین می رویاند و در حقیقت آن قابل تقسیم برای همگان است.»

يَمْلِكُ الزَّرْعُ مَا يَزِي      رَعٌ لَا عِبْدًا يُسَامُ

«کشاورز مالک چیزی است که می کارد، نه برده ای که در

معرض فروش گذاشته شود.»

(دیوان، ۴۰۲/۳-۴۰۳)

او در همین زمینه با قصیده «استالینگراد» به مسئله زمین می پردازد تا رؤیای تولستوی

نویسنده مشهور روس را در زمینه تحقق عدالت در مورد کشاورزان برآورده سازد:

يَا تُولِستُوي «وَلَمْ تَذْهَبْ سُدَيَّ      ثُورَةُ الْفِكْرِ وَ لَاطَارَتُ هَبَاءِ

«ای تولستوی، انقلاب فکر و اندیشه باطل نشد و به باد هوا نرفت.»

يَا تَرِيًّا وَ هَبَّ النَّاسَ الثَّرَاءَ      قُمْ تَرَ النَّاسَ جَمِيعًا أَثْرِيَاءَ

«ای توانگری که دارایی خود را به مردم بخشیدی، به پاخیز و ببین که همه

مردم توانگر شده اند.»

فَمُ تَجِدُهُمْ مَالِكِي غَلَّتِهِمْ      مَنْ عَلَى عَهْدِكَ كَانُوا الْأَجْرَاءَ  
 « به پاخیز و آنان را ببین که مالک محصول خود هستند ؛ آنانی که در زمان تو  
 کارگر مزد بگیر بودند . »

( دیوان ، ۴۱۱ / ۲ )

با این همه جواهری در مقام دفاع از خود برآمده و وابستگی خود را به چپ رد ، و اظهار کرده است که سخنان او جامعه گشادی است که برای هر قلمتی مناسب است . او فقط یک انسان تجدّد طلب است که از ظلم و ستم امتناع دارد ( الشّعر العراقي الحديث ، ۹۵-۹۶ ) و خیر و نیکی را هر طور و هر کجا که باشد ، دوست می دارد ( تطوّر الأدب العربي المعاصر ، ۱۲۹ ) .

شایان ذکر است که گرایشهای مارکسیستی و سوسیالیستی بسیاری از تحصیل کرده ها ، ادیبان و شاعران از جمله جواهری و نیز توده هایی از مردم عراق ناشی از ستمگریهای استعمارگران غرب و عمّال ایشان بوده که موجب شده است این عده از آن به ستوه آیند و به دنبال آن فریب افکار پر زرق و برق شرق خورده در دام آن بیفتند و گرنه ظلم حکومتهای مارکسیستی و سوسیالیستی در حقّ مردم بویژه در شوروی سابق ، کمتر از ابر قدرتهای غربی نبوده است تا جایی که سرانجام خود مارکسیست های شوروی در زمان گورباچف به بطلان افکار و نظریاتشان پی برده ، آنها را به بوته فراموشی سپردند .

### طبقه کارگر

جواهری علاوه بر کشاورزان به طبقه کارگران نیز اهتمام می ورزد ؛ چرا که آنها مظهر خودکفایی و بی نیازی جامعه هستند . او در عیدها و جشنهای مربوط به کارگران شرکت کرده ، قصاید رسایی در این زمینه سروده است . شاعر در این قصاید از ظلم طبقاتی حاکم بر آنها انتقاد کرده است :

حَيِّتْ أَيَّاراً بَعِطْرِ شَدَاتِي      وَ خَصَصْتُهُ بِالْحَصَصِ مِنْ نَفْحَاتِي  
 « با کلام عطر آگین خویش به ماه آیار تحیت و درود فرستادم و او  
 را با این عطرها برانگیختم . »

حَيِّتْ شَهْرًا فِكْرُهُ مِنْ فِكْرَتِي      فِيمَا يَخْطُ وَ ذَاتُهُ مِنْ ذَاتِي  
 « به ماهی درود فرستادم که اندیشه او از اندیشه من است و وجود او از وجود من . »



وَبَوْحِي كَدْحِ الْكَادِحِينَ رِسَالَتِي وَعَلَى يَدِيهِ تَنْزَلْتُ آيَاتِي  
 « و رسالت من وحی و الهام رنج رنجبران است ، و آیات اشعار من بر  
 دستان ایشان فرود آمده است . »

لَوْجَدْتُني وَ الْبَائِسِينَ كَمَا التَّقْتُ جَنبًا إِلَى جَنْبِ جُذُورِ نَبَاتِ  
 « خودم را چون ریشه های به هم پیچیده گیاهان با بینوایان دوشادوش می یابم . »  
 ( دیوان ، ۴ / ۷۲۷ )

سپس آنها را مورد خطاب قرار داده است که او نیز در کنار آنها در یک صف ایستاده  
 است و به نبرد با دشمن می پردازد :

أَنَا عَامِلٌ بِالْفِكْرِ أَعْمِلُ مِعْوَلِي فِي صَخْرَةٍ فَأُحْيِلُهَا لِفُتَاتِ  
 « من آن کارگری هستم که با اندیشه خود تیشه ام را در صخره ای  
 سخت به کار می برم و آن را به براده هایی نرم تبدیل می کنم . »  
 فِي الْكَفِّ مَطْرَقَتِي أَقْلُ بِحَدِّهَا أَصْلَابَ أَوْغَادٍ وَ هَامَ طُغَاةِ  
 « در دستم چکشی است که با آن کمرهای فرومایگان و سرهای سرکشان  
 را می شکافم . »

( دیوان ، ۴ / ۷۲۸ )

او در قصیده دیگری به کارگران عراق و کارگران جهان عیدشان را تبریک گفته ، به  
 رنجها و زحمتهای آنان اشاره کرده ، اظهار می دارد که آنها همچون بردگان در غل و  
 زنجیرهای سرمایه داران قرار گرفته اند :

مَضَى أَمْسٍ حَيْثُ يَقْضُ الشُّيُوخُ لِأَبْنَائِهِمْ كَيْفَ عَاشَ الْعَبِيدُ  
 « دیروز بود که پیران برای فرزندان خود حکایت زندگی بردگان را  
 می گفتند . »

وَ كَيْفَ تَعَرَّتْ عَلَيَّ الزَّمْهَرِيرُ زُنُودٌ لَتُكْسَى بِخَزْ زُنُودُ  
 « که چگونه در سرمای شدید افرادی عریان بودند تا افراد دیگری خود را  
 با پارچه های ابریشمی بپوشانند . »

وَ كَيْفَ اسْتَوَى حَبَّةً حَبَّةً مِنَ الْعَرَقِ الْمُرِّ عَقْدُ فَرِيدُ  
 « و چگونه دانه های گردنبندی بی همتا از عرق دردناک بینوایان به رشته درآمد . »

وَ كَيْفَ وَ أَطْفَالُكُمْ فِي الْعَرَا ۚ صَبِغَتْ لَطْفِ لِ السَّرَى الْمُهْودُ  
 « و چگونه فرزندان شما برای خدمت به کودکان اشراف زاده ، پسا به  
 عرصه وجود گذاشتند . »

( دیوان ، ۵ / ۷۴۳ )

و برای به دست آوردن تکه های نان ، جان خود را از دست داده ، شهید می شوند :

وَ كَيْفَ عَلَى كَسْرَاتِ الرَّغِيفِ يُعْفَرُ فِي كُلِّ يَوْمٍ شَهِيدُ  
 « و چگونه برای تکه های نان ، هر روز شهیدی نقش بر زمین می شود . »

( دیوان ، ۵ / ۷۴۳ )

فاصله طبقاتی یکی از شدیدترین مسائل جامعه عراق است که جواهری به شیوه های  
 مختلف به نقد آن پرداخته است . او در قصیده مشهور « **تنویمه الجیاع** »\* که به  
 گرسنگان عراق اختصاص داده است ، این فاصله طبقاتی را با تمسخر بیان می کند :

نَامِي جِيَاعِ الشُّعْبِ نَامِي حَرَسَتْكَ آلَهُ الطَّعَامِ  
 « بخواید ای گرسنگان ملت ! بخواید . خدایان غذا ( ثروتمندان ) از شما  
 پاسداری می کنند . »

نَامِي فَإِنْ لَمْ تَشَبِعِي فِي يَقِظَةٍ فَمِنَ الْمَنَامِ  
 « بخواید که اگر در بیداری سیر نشدید در خواب سیر می شوید . »

نَامِي عَلَى زُبْدِ الْوَعْدِ يُدَافُ فِي عَسَلِ الْكَلَامِ  
 « بخواید بر وعده های دروغینی که با سخنان عسل گونه ترکیب می شود . »

نَامِي عَلَى تَلِكِ الْعِظَا تِ الْغُرِّ مِّنْ ذَاكَ الْإِمَامِ  
 « بخواید . بر آن اندرز های زیبایی که از آن پیشوای ( دروغین ) است . »

يُوصِيكَ أَنْ تَدْعِيَ الْمَبَا هَجَ وَاللَّذَائِدَ لِلنَّامِ  
 « به شما سفارش می کند که شادیها و لذتها را برای فرومایگان وا گذارید . »

نَامِي فَإِنَّ صَاحَ أَمْرٍ فَاسِدٍ فِي أَنْ تَنَامِي  
 « بخواید که صلاح کار ( وضعیت خراب ) در این است که بخواید . »

۱- تنویمه و تنویم : مصدر باب تفعیل است : به خواب کردن . جیاع : جمع جائع : گرسنه .

( دیوان ، ۴ / ۶۱۰ - ۶۱۲ )

شاعر قصد تأثیر در توده های مردم گرسنه ای را دارد که تسلیم سرنوشت شده ، به خواری و محرومیت تن در داده اند . او خواهان این است که عواطف و احساسات نومید آنها را بر انگیزد ؛ مردمی که قربانی حاکمان خود کامه خود شده اند . از این رو ، لزوم قیام بر ضد چنین حاکمانی را یادآور می شود .

### نتیجه

- ۱- جواهری به عنوان یکی از ناقدان بزرگ عراق در عرصه شعر معاصر ، خواهان اصلاح جامعه خویش بوده و سروده های بسیاری در نقد مسائل اجتماعی از خود به یادگار گذاشته است .
- ۲- از نظر جواهری بسیاری از مشکلات و گرفتاریهای مردم عراق از جمله اختلاف شدید طبقاتی ، ناشی از اصول سیاسی حاکم بر جامعه عراق بوده که از سوی بریتانیا بر ملت عراق تحمیل شده است .
- ۳- مظلالم اجتماعی که جواهری آن را مورد انتقاد قرار داده است ، اغلب در فاصله طبقاتی شدید و توزیع ناعادلانه ثروت نمود می یابد .
- ۴- جواهری به دو طبقه کشاورز و کارگر اهتمام ورزیده ، خواهان آن است که این دو طبقه به حقوق از دست رفته خود ، دست یابند . از این رو این دو طبقه سهم عمده ای از نقدهای اجتماعی جواهری را به خود اختصاص داده اند .
- ۵- ستمگریهای استعمارگران غرب و عمال ایشان باعث شد که جواهری و بسیاری از تحصیل کرده ها ، ادیبان ، شاعران و نیز توده هایی از مردم عراق به گرایشهای مارکسیستی و سوسیالیستی روی آورند و گر نه ظلم حکومتهای مارکسیستی و سوسیالیستی در حق مردم بویژه در شوروی سابق از ابرقدرتهای غرب کمتر نبوده است .

### فهرست منابع

- ١- آل محبوبه ، الشیخ جعفر . ( ١٩٨٦م ) . ماضی النجف و حاضرها . الطبعه الثانيه ، بيروت : دار الأضواء .
- ٢- أبو حاقه ، أحمد . ( ١٩٧٩م ) . الإلتزام فی الشعر العربی . بيروت : دار العلم للملايين .
- ٣- أنیس ، ابراهیم و دیگران . ( ١٩٨٧م ) . المعجم الوسيط . الطبعه الثانيه ، بيروت : أمواج .
- ٤- بیضون ، حیدر توفیق . ( ١٩٩٣ م ) . محمد مهدي الجواهري شاعر العراق الأكبر . بيروت : دار الكتب العلمیه .
- ٥- جبران ، سلیمان . ( ٢٠٠٣ م ) . مجمع الأضداد دراسه فی سيره الجواهري و شعره . بيروت : المؤسسه العربیة للدراسات و النشر .
- ٦- جحا ، میثال خلیل . ( ١٩٩٩ م ) . الشعر العربي الحديث من أحمد شوقي إلى محمود درويش . بيروت : دار العوده و دار الثقافه .
- ٧- الجواهري ، محمد مهدي . ( ٢٠٠١ م ) . ديوان . بغداد : دار الحریة .
- ٨- الجیوسی ، سلمی الخضراء . ( ٢٠٠١ م ) . الإلتجاهات و الحركات فی الشعر العربي الحديث . بيروت : مركز دراسات الوحده العربیة .
- ٩- الخیاط ، جلال . ( ١٩٧٠ م ) . الشعر العراقي الحديث . بيروت : دار صادر .
- ١٠- الخیاط ، جلال و دیگران . ( ١٣٨٥ هـ ش ) . تاریخ ادبیات معاصر عرب . ترجمه : محمود فضیلت . کرمانشاه : انتشارات دانشگاه رازی .
- ١١- دیب ، علی حسن . ( ٢٠٠٤ م ) . الجواهري رحله الشعر و الحياه . بيروت : مؤسسه المناره .
- ١٢- شکیب انصاری ، محمود . ( ١٣٨٤ هـ ش ) . تطوّر الأدب العربي المعاصر . چ چهارم . اهواز : انتشارات دانشگاه شهید چمران .

- ۱۳- طباطبایی، مصطفی. (۱۳۷۰ هـ ش). فرهنگ نوین. چ دهم. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۱۴- الفاخوری، حنا. (۲۰۰۵ م). الجامع فی تاریخ الأدب العربی. الأدب الحدیث. بیروت: دار الجیل.